

مردم به «ارتش آزاد» باند سیاهی، نیازی ندارند!

آذر مدرسی

وضعیت بحرانی در ایران، تحرکات مردمی و کارگری که حکومت را بار دیگر به لبه پرتگاه کشانده است، بار دیگر فرقه مجاهد را به تکاپو انداخته است. ظاهراً تشدید تلاطم سیاسی در ایران، عمیق تر شدن بحران اقتصادی-سیاسی رژیم و رشد اعتراضات وسیع بخشهای مختلف مردم، نزدیک شدن روز تسویه حساب مردم با جمهوری اسلامی، «رئیس جمهور منتخب» این فرقه را از کمای استیصال بیدار کرده است تا پس از پوچ شدن رویای به قدرت رسیدن از طریق حمله نظامی و رژیم چینج و کور شدن این افق، ناگهان همان پروژه را در بسته بندی جدید تحت عنوان «تشدید فشار به حاکمیت ملامها» علم کند. «سازمان مجاهدین» شاید یکی از بی ریشه ترین، ماجراجوترین و بی اعتبارترین باند سیاسی-مذهبی و همزمان «بد شانس» ترین و «کم اقبال» ترین نیروی مخرب در صحنه سیاست ایران است. نیرویی که مدتهاست کاملاً دور نمایش و ادعا بعنوان یک نیروی «مردمی و داخل کشوری» بودن، را خط کشیده است. بانندی که نه تنها از اینکه قدرت های جهانی آن را بعنوان یک نیروی مخرب با قابلیت سوریه ای کردن ایران و ایفای نقش «ارتش آزاد سوریه» به رسمیت بشناسند، ابایی ندارد، که اصرار دارد خود را با نمایشها و شوهای سطحی، و البته «جنجالی»، در این سطح به نمایش بگذارد. ... صفحه ۲



نان با طعم خون

آسو فتوحی

از چندی پیش که رسانه های حکومتی اعلام افزایش قیمت ها و به طور مشخص تر بالارفتن نجومی قیمت آرد و نان را اعلام کردند، گرانی سرسام آور و افزایش قیمت ها در شکلی افسار گسیخته و بدون هیچ کنترلی، کمر به نابودی زندگی میلیونها انسان در ایران بسته است. بدنبال آن بسیاری از شهرهای ایران به صحنه اعتراضات وسیع و خونین بین حاکمین و محکومین بدل گشته است. سخنگویان رنگارنگ حکومت در رسانه ها و روزنامه ها برای توجیه مسئله به صف شده اند و نقاط سیاهی به پرونده ننگین شان اضافه میکنند. سروته همه شامورتی بازی های این حضرات به این حکم مختوم میگردد که «ما مسئله گرانی را برای عموم روشن ساختیم پس مردم عاصی و گرسنه حق اعتراض ندارند». تمام بهانه ها و افاضات حضرات حکومتی تنها و تنها نشان از به سخره گرفته شدن زندگی مردم گرسنه دارد. یکی «جراحی اقتصادی» را بهانه تحمیل فقر و گرسنگی به میلیونها انسان میکند و «نصیحت» میکند که باید تحمل کرد، دیگری با افتخار مسئله گرانی را هدفمند و برنامه ریزی شده از جانب دولت و مفید برای «ملت ایران» اعلام میکند و به اصطلاح جلوی قاچاق کالا و آرد میگردد، یکی مردم را به جستجوی سبب گرانی در اوضاع جنگ اوکراین حواله میدهد، یا برخی وزرا انگار غیب میگویند و با افتخار اعلام میکنند که «مسئله گرانی، یک مسئله جهانی است» و شانه از زیر بار مسئولیت خالی میکنند.



شورش گرسنگان و میدیای راست!

آسو سهامی

به دنبال پخش خبر افزایش قیمت آرد و چندین اقلام خوراکی از سوی تلویزیون رژیم جمهوری اسلامی، فرودستان جامعه بسیار سریع واکنش نشان دادند و به خیابان آمدند تا اعتراض خود را نه تنها به افزایش قیمت ها، بلکه به سرتاپای حاکمیت ناکارآمد و فاسد رژیم سرمایه داری اسلامی نشان دهند. این اعتراضات که از شهر ایزده شروع شد، در چشم بر هم زدنی به دیگر شهرهای خوزستان و سپس به سراسر ایران سرایت کرد و مردم در ده ها شهر کشور به طور گسترده به میدان آمدند و اعتراض خود را نه تنها بر گرانی و تورم افسار گسیخته، بلکه به کل حاکمیت جمهوری اسلامی اعلام کردند و با نیروهای سرکوبگر رژیم دست به یخه شدند. ... صفحه ۳



اولا یکی گرفتن وضعیت فلاکت بار اقتصاد ایران با بحران اقتصادی مثلا اروپا و آمریکا در ضرب اول مهممل گوئی بیش نیست و فرض محال است که بتوان سر سوزنی سطح زندگی و معیشت فلاکت بار تحمیل شده به مردم ایران مقایسه کرد. گرانی، تورم و فقر و تعرض به معیشت مردم سالهاست در ایران بیداد میکند. دوما اینکه «گرانی و بحران اقتصادی یک مسئله جهان است، به این معنی است که این پدیده سیاه، دارای صاحبان و مسببینی است و مردم نه تنها آسمان و ریسمان بافی سخنگویان مسببین فلاکت را رسوا می کنند بلکه دقیقاً با حاکمیت ها، مسببین و بانیان این سیه روزی در دنیا سر جنگ دارند.

این حضرات با بلغور کردن نصف واقعیت و یا هر مهممل بافی دیگری نمی توانند از زیر ضرب تیغ اعتراضات بر حق طبقه کارگر یا محرومین جامعه خود را برهانند، امروز دیگر همه میبینند که اعتراضات به وضع موجود و تعرض به حاکمیت سرمایه نیز یک مسئله جهانی است. اعتراضات در فرانسه، بریتانیا، آمریکا، لبنان، عراق و ایران این اعتراض جهانی محرومین به فقر و فلاکتی است که بورژوازی انگل به جهان تحمیل کرده است. ... صفحه ۴

اطلاعیه های حزب حکمتیست (خط رسمی)

پرده دوم «سناریوی سوخته»

چه کسی جاسوس و «غیر قانونی» است؟

آزادی برابری حکومت کارگری

یکی از این نمایش‌ها «بازدید» اخیر پمپئو از «اردوگاه اشرف» این سازمان و ملاقات با مریم رجوی است.

در این ملاقات، مریم رجوی و پمپئو که بقول خودشان هر دو «چشم‌انداز سرنگونی را در افق» دیده‌اند، یکبار دیگر برای خون پاشیدن به زندگی و مبارزه مردم و تخریب بنیادهای جامعه، تجدید پیمان میکنند. هر دو با اشاره به «ظرفیتهای» سیاه و ماجراجویانه این جریان علیه جامعه، به خدمات بیکران این جریان به غرب علیه «ولی فقیه» و «حکومت ملامها»، همصدا از ضرورت اتکا بیشتر دولت امریکا و ناتو به این باند سناریوی سیاهی میگویند. مریم رجوی به نام «نماینده مردم و مقاومت سازمان‌یافته» خواهان یک جنگ تمام عیار اقتصادی علیه میلیون‌ها انسان در ایران و نهایتاً حمله نظامی ناتو به ایران به نام «مقابله با جمهوری اسلامی» میشود. رئیس جمهور اسلامی- فیروزه ای مجاهدین، در اوج بیشرمی به نام ضدیت با «حکومت ملامها»، درخواست قرار دادن ایران زیر ماده ۴۱ فصل هفت منشور ملل متحد (تحریم‌های همه‌جانبه و جنگ اقتصادی علیه مردم در ایران) که پشت بند آن ماده ۴۲ (دست زدن به حمله نظامی و رژیم چینج) است، را میکند و انتظار دارد همگان خود را به ندیدن و نشنیدن بزنند. امید جریانات سیاسی غیراجتماعی و حاشیه‌ای که بیمارگونه به امید گسترده‌تر شدن اعتراضات زیر فشار «تحمیل فقر و فلاکت بیشتر» بسر می‌برند، در مقابل سناریو فرقه رجوی خوش‌خیم و کم‌خطر است. رجوی ظاهراً فضا را برای پریدن پشت ویتزین و ارائه جنس بنجل و سیاه خود برای رژیم چینج، بعنوان کاراکتر نفر اول آماده دیده است. سی سال است دولت امریکا این جریان را در «آب نمک خواباننده» است تا بلکه برای «رژیم چینج» مصرف شود! سی سال است این جریان برای دریافت مدال مقبول‌ترین «آلترناتیو» این سناریو، نه فقط با نیروها راست‌پرو غرب که با حاشیه‌ای ترین و سیاه‌ترین باندهای قومی و مذهبی، از فاشیست‌های کرد و ترک تا سلفی‌ها و ... مسابقه گذاشته است و سی سال است «شانس» و «اقبال» به آنها رو نکرده است. سی سال است که جامعه چند میلیونی ایران به این سناریو، به خون پاشیدن به مبارزه رادیکال و انقلابی خود، به انقلاب مخملی نوع اوکراین، به تلاش برای تحمیل یک ارتجاع سیاه دیگر، به «تغییر رژیم» به «کمک امریکا» و «دخالت‌های بشر دوستانه» از نوع عراق، افغانستان، سوریه و لیبی نه گفته و در مقابل آن ایستادگی کرده است. مانع اصلی و هراس اصلی دست بردن امریکا به این سناریو و «ریسک»، نه جمهوری اسلامی و «قدرت» او، که قدرت و وجود جنبشی عظیم و رادیکال است که هر روز عمیق‌تر، گسترده‌تر، رادیکال‌تر و قدرتمندتر میشود. جنبشی که یک سر آن در تهران و سر دیگر آن در کردستان و خوزستان است. جنبشی که مراکز تولید و کارخانه، مدارس، دانشگاه‌ها، شهرها را به هم وصل و با هم متحد کرده است. جنبشی که نقطه امید خود را در رادیکالیسم کارگری و طبقه کارگر می‌یابد و مهر خود را بر اتفاقات و تحولات آتی زده است. جنبشی که فقط علیه «حکومت آخوندی» و «ملاها» نیست و برعکس همه آزادی، همه سعادت و رفاه و برابری را میخواهد. جنبشی که برای کوتاه کردن دست هر نیرو و قدرت ارتجاعی از سرنوشت خود، از فیروزه ای تا اسلامی، در قدرت یا در اپوزیسیون، به میدان آمده است.

امروز صفبندی سیاسی در جامعه، حضور طبقه کارگر و اعتبار و اتوریته این طبقه، اوضاع را بیش از پیش به «ضرر» سناریوی خطرناک و مخوف این فرقه و دوستانش تغییر داده است. خانم رجوی و همپای شش‌لول بند و گانگسترش، بهتر است گوش بر زمین بگذارند تا صدای پای لشکر میلیونی کارگران و مردمی که برای زیر و رو کردن جهان، برای کوتاه کردن دست هر ارتجاعی از زندگی و آینده شان، برای بدست گرفتن سرنوشت خود، را بشنوند. لشکری که مدتها است به نیروهای باند سیاهی، به دخالت نظامی و «حمایت‌های» ارتجاع جهانی نه گفته است و برای رقم زدن آینده ای انسانی و آزاد عزم جزم کرده است. لشکر میلیونی که دست همه باندها و گانگسترهایی چون مجاهدین و «ارتش آزاد» آن و تمام باندهای قومی، مذهبی و فاشیست را از آینده و سرنوشت خود کوتاه میکند.

پشت فشفشه هوا کردها و نمایش «مجلل» ملاقات پمپئو با «رئیس جمهور منتخب»، پشت تبلیغات و هیاهوی شان حول اهمیت «سازمان» برای غرب و تلاش برای دمیدن روحی تازه در کالبد بیجان «رژیم چینج»، وضعیت اسفناک این جریان و رهبری آن و یکدور دیگر از انتظار و سرگردانی و خوش خدمتی برای «به بازی گرفتن» خوابیده است.

چه کسی جاسوس و «غیر قانونی» است؟

وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران اخیراً بیانیه‌ای صادر کرده است و در آن مبارزات سراسری معلمان و تشکلات صنفی آنها را متهم به «جاسوسی و دست داشتن با عوامل نامرئی بیگانه» کرده است. می‌گویند که «دشمن میان همه ارگان‌ها نفوذ کرده» و «مطالبات عادی را به آشوب، بی‌نظمی اجتماعی و بی‌ثبات‌سازی» می‌کشاند. تذکر می‌دهند که هر کسی که سیاست‌های دولت را نقد کند و علیه گرانی سخن بگوید، تهدید می‌شود. به دنبال این اقدام وزارت اطلاعات، رضا شهبانی از اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد و انیشتا اسداللهی از مدافعین حقوق کارگران و از بازداشت شدگان اول ماه مه ۱۳۹۸، را به «ارتباط و همکاری با تیم برانداز خارجی با هدف تحریک کارگران، معلمان و مردم برای ایجاد آشوب در کشور» متهم کرده است. سناریوسازی‌های حاکمیت در این دوره برای زدن مبارزات سراسری مردم، بیش از آنکه کسی را مرعوب کند، در حکم تف سربالا است. مردم ایران تجربه این نوع پرونده‌سازی‌های حاکمیت، از شکنجه فعالین کارگری، فیلم ساختن‌های جعلی پشت دوربین‌های صدا و سیما، سناریوهای سوخته و شکنجه و تهدید کارگران برای بستن دهان‌شان در زندان‌های جمهوری اسلامی را پشت سر گذاشته‌اند و به ریش چنین توطئه‌هایی می‌خندند. آیا نظام اسلامی یادش رفته است که چه تقای مذبوحانه‌ای علیه کارگران هفت‌تپه و نمایندگان آنها با هدف زدن مبارزه طبقه کارگر ایران کرد و احداثی باورشان نکرد و فریب سناریوی سوخته این حاکمیت را نخورد؟ آیا اینها یادشان نیست که کارگران هفت‌تپه اعلام کردند که پیام‌های تهدیدآمیز بالا تا پایین این نظام را روانه فاضلاب‌های شوش می‌کنند؟ آیا همبستگی، استقامت و اتحاد کارگران هفت‌تپه و فولاد اهواز در دفاع از نمایندگان صدیق خود را به باد فراموشی سپرده‌اند؟ آیا اینها یادشان رفته است که از دید طبقه کارگر ایران و مردم آزادی‌خواه، آبرویی برای رهبر نظام و سران سه‌قوه باقی مانده است و برایشان دلگهی بیش نیستند؟ آیا حافظه تاریخی اینها اینقدر کوچک و شکننده است که توده‌نی کارگران را به یاد نداشته باشند؟

چه شده است که امروز به معلمان و به تشکل سراسری معلمان و به هر احدی که از عدالت، برابری و نان سخن بگوید اتهام جاسوس، توطئه‌گر و ... می‌دهند؟ چه کسی جاسوس، گردنه‌بگیر، غیر قانونی، توطئه‌گر، نجسب، بی‌آبرو، فاسد، مستبد و مرتجع است؟ از نگاه این حاکمیت، ۸۰ میلیون شهروند در ایران «جاسوس خارج» هستند و از دید مردم ایران، حاکمیت اقلیتی مفت‌خور که حرکت هر جنبنده‌ای برای رفاه و معیشت را «غیر قانونی» اعلام می‌کند، باید برود و گورش را کم کند. آنچه غیر قانونی است این حاکمیت است. آنچه وصله ناجور و بختک میلیون‌ها انسان این مملکت است، حاکمیت جمهوری اسلامی با سران و سردمداران جنایتکار آن است! مردم ایران بار دیگر «بیانیه‌ها» و سناریوهای سوخته و امتحان پس‌داده این نظام را دیدند و به ریشش خندیدند. مردم ایران استثمارگر را از استثمارشده، حاکم را از محکوم، ستمگر را از ستمدیده، مستبد را از آزادی‌خواه و بورژوازی را از طبقه کارگر تفکیک کرده‌اند. آنچه که قانونی است همین حکم اساسی است که جمهوری اسلامی باید برود و نظام شورایی و حکومت کارگری باید اعلام شود! آنچه غیر قانونی است، بستن شریان‌های زندگی مردم است؛ فقر و فلاکتی است که به میلیون‌ها انسان در این مملکت تحمیل کرده‌اند؛ آنچه مشروع است مبارزه برای برپایی نظامی آزاد و برابر، برای پایان دادن به مشقات انسان کارکن در جهان امروز است! نظامی که در برابر این حق بدون قید و شرط سنگ‌اندازی می‌کند، مشغول کردن گور خود است. پاسخ پاپوش‌دوزی‌های اخیر حاکمیت علیه معلمان، کارگران و مردم آزادی‌خواه و مبارزات سراسری آنها را مردم ایران و طبقه کارگر در محلات کار و میدین کار و در خیابان‌ها خواهند داد. پاسخ هر دقل‌بازی این نظام با تعرض سازمان‌یافته و سیل توفنده جامعه مواجه خواهد شد. توفان آغاز شده است و غلط کردن‌های اضافی حاکمیت قبل از آنکه حتی مایه خنده حضار شود، باعث دفن آن خواهد شد.

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۲۰۲۲ مه ۱۵

میان حقوق جهاشمول انسان، قانون اساسی دولت آتی شوراه است

علاوه بر قطع اینترنت در این نواحی، اما بسیار سریع اخبار و فیلم های شورش گرسنگان انتشار پیدا کرد و در دسترس همگان قرار گرفت. اما فکر میکنید ژورنالیسم رسمی دولتهای بورژوازی در خارج از کشور، آن را چگونه منعکس کردند! رسانه هایی از قبیل بی بی سی، رادیو فردا، تلویزیون انترناسیونال و صدای آمریکا و ده های رسانه از این دست با تاخیر بیست و چهار ساعته ای به اجبار اقدام به انتشار اخبار دستکاری شده این اعتراضات کردند.

هیچ رسانه و میدیای بی طرفی در جهان وجود ندارد و هر کدام از این رسانه ها بنا به منبع تغذیه فکری و مالی خود، تلاش می کند که اذهان جامعه را به سمت و سویی بکشد که خود می خواهد. عمل می کند. امروزه به یمن اینترنت و پیشرفت تکنولوژی، اخبار و اتفاقات دنیا بسیار سریعتر از غولهای رسانه ای و میدیای راست در دسترس جامعه قرار می گیرد و همین امر باعث شده که حتی ماهیت وجودی این رسانه به درجه ای بسیار زیادی کم اعتبار شود.

دیگر آزمون گذشت که مردم منتظر پخش اخبار از زبان این رسانه ها شوند، به یمن اینترنت و گوشی های هوشمند، این خود مردم هستند که شخصا اخبار و گزارشات اعتراضات را به شیوه ای انفجاری در میدیا و شبکه های اجتماعی به گوش جهانیان می رسانند و به شیوه ای که حتی تلاش شبکه های اجتماعی متا (فیس بوک و انستاگرام) برای کم بیننده کردن و یا سانسور آن کارساز نشد و این رسانه ها مجبور به پوشش خبری این اعتراضات و دستکاری آن به نفع اهداف خود کردند.

امروزه کمتر کسی هست که نقش برجسته رسانه و میدیا را در سمت و سو دادن اذهان عموم انکار کند، سالانه میلیاردها دلار از درآمد کشورها که از جیب طبقه کارگر و مالیات دهنده گان پرداخت می شود برای گسترش میدیا هزینه می شود تا آنچه را که دولت مردان دنیای سرمایه داری می خواهند را در ذهن مردم بکارند.

کشورهای سرمایه داری و میدیاهایشان با ایجاد شبکه های اینترنتی، تلویزیونی و رسانه های دیگر و هزینه های میلیاردی تلاش دارند که کنترل افکار عمومی جهان را در دست داشته باشند. رسانه به عنوان یک ابزار یک طرفه ی سیاسی برای تبلیغ و حتی مپاران ذهنی توده های مردم، استفاده می شود. نتیجه این عمل آن است که، توده های مردم به جای کسب آگاهی و شعور همه جانبه سیاسی و به جای اخبار دقیق و درست، تنها مطالبی را می بینند و می شنوند که سیاستهای سرمایه داری و اهداف و منافع قدرت حاکم را تبلیغ می کند.

این حقیقت را نمی توان کتمان کرد که به همان اندازه که رژیم جمهوری اسلامی از شورش و قیام گرسنگان و فرودستان جامعه و یا از اعتراضات و اعتصابات طبقه کارگر نگران و ترسان است، به همان اندازه نیز دولتهای سرمایه داری نگران هستند و حفظ یک دولت حامی سرمایه در راس سیاستهای آنها قرار دارد. بر این منبنا اگر در نهایت در قبال اتفاقات پیش روی جوامع و اعتراضاتی که منجر به تغییر سیستم حکومتی شود که در اینجا روی صحبت با ایران است، مجبور به موضعگیری و یا پوشش اخبار شوند. لذا تمامی تلاششان اینست که این تغییر نه از پایین و زیر بنا و نه به دست طبقه فرودست جامعه، بلکه از بالا و تنها با تغییر روبنا صورت بگیرد تا پایه های سرمایه داری را به خطر نیاندازد.

اگر به پوشش اخبار رسانه های همچون بی بی سی، صدای آمریکا، رادیو فردا و ایران انترناسیونال نگاهی بیاندازیم این مهم را به عینه می توان مشاهده کرد. سانسور شعارهای رادیکال، پخش شعارهای انحرافی، در انتظار نگه داشتن مردم، تلطیف چهره های رژیم و نیروهای سرکوبگر و نشان دادن اعتراضات مسالمت آمیز و جلوگیری از رادیکالیزه شدن این اعتراضات، نشان دادن چهره ای خشن و ویرانگر از انقلاب و ترساندن مردم از شورشهای خیابانی و نشان دادن جو و فضای ناامن و غیره، تنها برای ترساندن مردم از دست بردن به تغییرات ریشه ای در آن جامعه است.

اگر بخواهیم گوشه ای کوچک از نقش رسانه ها را در تاریخ نشان دهیم، تا به ماهیت واقعی آنها در زمان حال پی برد باید گفت: سیاست رسانه های راست ادامه همان سیاستهایی ست که عکس خمینی را در ماه نشان می داد و با تبلیغات مسموم خود در قیام بهمن ۱۳۵۷ جریانات ملی -مذهبی به رهبری خمینی را به کمک دولتهای بورژوازی آمریکا و غرب ملاحور کردند. اگر مردم با قیام خود شاه را از تخت سلطنت به زیر کشیدند، همان نظام سرمایه و کار مزدی و حاکمیت اقلیتی مفتخور، اینبار زیر نام جمهوری اسلامی به قدرت رسید.

در طی سالهای اخیر نیز هر زمان اعتراضی جدی در جامعه شکل می گرفت، با تهدید نظامی ایران و با اشاعه این توهم که قرار است آمریکا به ایران حمله کند، با توهم پراکنی در مورد سرانجام مسئله «برجام» و یا ترس از سوریه و عراقیزه شدن ایران در صورت هر اتفاقی، مردم را به خانه های خود

می فرستادند و امید به مهدی موعود یعنی دخالت آمریکا در ساقط کردن این رژیم را نوید می دادند. در واقع تلاشی برای بی قدرت کردن پایین و از میدان بدر کردن مردم فرودست و جان به لب رسیده و سپردن دست بدست شدن قدرت توسط نیروهای مافوق مردمی بورژوازی، چه داخل حکومت چه بیرون حکومت.

واقعیت اینست که تمامی رسانه های راست از درون حکومتی گرفته تا میدیای غرب مطالب و موضوعاتی را که از رسانه های خود ساطع می کنند تا بتوانند حقایق را از جامعه پنهان و در خدمت تحمیق تدریجی مردم به کار گیرند.

رسانه های بورژوازی بطور کلی متناسب با منافع بورژوازی خود، متناسب با منافع طبقاتی شان، چه منافع سیاسی و چه منافع اقتصادی، اخباری را مورد توجه و یا انتخاب می کند که در خدمت منافع مادی و سیاستهای سرمایه داری، باشد. که یک رکن آن دامن زدن به ترس و ناتوانی طبقات زیرین جامعه در تغییرات ریشه ای و بی امیدی و تمکین به قدرتها و سیاستهایشان قرار بگیرد. بنابراین در جامعه ملتهب ایران که شورش گرسنگان می رود که به یک قیام عمومی منجر شود موضوع فراتر از افشاگری و انتقاد و یا توهم به بورژوازی حاکم است. هدف به زیر کشیدن یک حکومت استبدادی، تغییر بنیادین یک نظام استثمارگر و بر پا کردن جامعه ای آزاد و برابر و ایجاد یک حکومت کارگریست.

پیشروان و کمونیست های جامعه لازم است که به موازات نقد سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی، افشاگری و به چالش کشیدن رسانه های و میدیای دست راستی قدرتهای منطقه ای و جهانی را هم مورد توجه قرار دهند و و توهم به این رسانه ها را در جامعه خنثی کنند. بی تردید یک راه خنثی کردن این سیاست ها، اعمال فشار بر این رسانه ها و از همه مهتر تحمیق و گسترش مبارزه خود علیه جمهوری اسلامی است.

پیشروان جامعه ضمن افشای این رسانه ها، به این نیاز دارند که شبکه های سازمان یافته برای سازماندهی این اعتراضات و ارتباط با یکدیگر و پخش گزارشات و اخبار دقیق را در دستور کار قرار دهند و خود را برای تدارک یک تغییر بزرگ، آماده کنند.

رهبری و سازمان دادن مبارزات و اعتراضات جاری جامعه از وظایف اصلی پیشروان آن جامعه است و مجامع عمومی کارگری و شوراهای حاصله از آن یکی از ابزار های اصلی این رهبریست. نباید اجازه داد در خلا حضور ما و سازمانهای مردمی ما، رسانه های دست راستی بدنبال سیاست های قدرت های حاکم، زمام امور را بدست بگیرند و مبارزه ما را به انحراف بکشند. بخصوص که برای تحویل گرفتن قدرت از جمهوری اسلامی و تحویل آن به موجود ارتجاعی دیگری از همان جنس، هم باندهای مخرب در درون خود حاکمیت و هم عناصر سناریو سیاهی چون باند مجاهدین، تلاش میکنند که در خلا حضور ما و با تحمیل استیصال به مردم، برای خود میدان عملی باز کنند. در چنین شرایطی بی تردید رسانه های بورژوازی که هر جانوری را به یک قدرت مردمی و کارگری ترجیح میدهند، در خدمت آنها خواهد بود.

اگر میدیای غرب و دست راستی می خواهد شعارهایی انحرافی که ممکن است در گوشه و کنار هم به گوش برسد را بزرگنمایی و لائسه کند، این وظیفه ما به عنوان پیشروان جامعه است که تبلیغات مسموم این رسانه ها را خنثی کنیم، راه به حاشیه راندن آن شعار ها را پیدا کنیم و بی تردید دست اندرکاران مبارزات مردمی و کارگری بهتر از هرکس میدانند که چگونه این امر را پیش ببرند.

مردم ایران استثمارگر را از استثمار شده، حاکم را از محکوم، ستمگر را از ستم دیده، مستبد را از آزادی خواه و بورژوازی را از طبقه کارگر تفکیک کرده اند. آنچه که قانونی است همین حکم اساسی است که جمهوری اسلامی باید برود و نظام شورایی و حکومت کارگری باید اعلام شود! آنچه غیر قانونی است، بستن شریان های زندگی مردم است؛ فقر و فلاکتی است که به میلیون ها انسان در این مملکت تحمیل کرده اند؛ آنچه مشروع است مبارزه برای برپایی نظامی آزاد و برابر، برای پایان دادن به مشقات انسان کارکن در جهان امروز است! نظامی که در برابر این حق بدون قید و شرط سنگ اندازی می کند، مشغول گندن گور خود است. پاسخ پاپوش دوزی های اخیر حاکمیت علیه معلمان، کارگران و مردم آزادی خواه و مبارزات سراسری آنها را مردم ایران و طبقه کارگر در محلات کار و میادین کار و در خیابان ها خواهند داد. پاسخ هر دقلک بازی این نظام با تعرض سازمان یافته و سیل توفنده جامعه مواجه خواهد شد. توفان آغاز شده است و غلط کردن های اضافی حاکمیت قبل از آنکه حتی مایه خنده حضار شود، باعث دفن آن خواهد شد.

پرده دوم «سناریوی سوخته»

(در حاشیه پرونده سازی وزارت اطلاعات)

اخیرا وزارت اطلاعات دست به ساخت و مهندسی يك صحنه نمایش شنیع دیگر علیه فعالین کارگری، معلمان و فعالین آزادیخواه زده است. این نمایش با کنار هم گذاشتن عکسها و تکه های فیلم و به هم دوختن آنها به عنوان «مدرك جرم» علیه این فعالین توسط دستگاه تبلیغاتی مرکز «صدا و سیما» جمهوری اسلامی با آب و تاب به جامعه اعلام شد. گویا دو نفر فرانسوی با هدف «ایجاد اغتشاش» به ایران آمده اند و در دیدار با فعالین شرکت واحد و چند معلم و انسان آزادیخواه برنامه براندازی را با اتکا به اعتراضات در سر داشته اند. و سرانجام این برنامه توسط «سربازان امام زمان» در وزارت اطلاعات کشف شده است!!

بی تردید اگر پرده اول این نمایش که علیه کارگران هفت تپه و حامیان آنها سوخته متولد شد يك تراژدی بود و توسط کارگران به آبروهای شوش سپرده شد، پرده دوم آن کمدی مضحکی است و سرنوشت بهتری پیدا نمیکند. این صحنه سازی و نمایش بیش از هر چیز استیصال و دست پاچگی معماران آن در این وزارتخانه و همراهان آنها در دولت و صدا و سیما را نشان میدهد. این نمایش و پرونده سازی ناشیانه که در جمهوری اسلامی عمری طولانی دارد، امروز بیش از هر زمانی بیان درماندگی، ناتوانی و عجز حاکمیت در مقابل

طبقه کارگر و مردم آزادیخواه ایران است. ارتباط، همفکری و همکاری هر کارگر و معلم و انسان آزاده ای با هر نهاد، تشکل یا هر سازمان حزبی یا هر جمع و احدی در سراسر جهان يك حق است. کارگران و تشکلهای کارگری، معلمان، بازنشستگان، زنان و جوانان این جامعه، در مقابل حاکمیت و در جنگ و جدال برای آزادی، برابری و امنیت، تلاش میکنند نه تنها هم طبقه ای های جهانی خود را مانند کارگران و نهادهای کارگری در سراسر جهان، بلکه و بعلاوه با هر نهاد و تشکل و حزب و سازمانی تماس بگیرند، حمایت جهانی آنها را جلب کند و از هر کمک انسانی و آزادیخواهانه آنها در خدمت مبارزات خود بهره ببرند.

سران جمهوری اسلامی با بیش از چهار دهه حاکمیت خود با هر دولت و گروه و جریان جنایتکاری از آمریکا، اروپا، روسیه، چین، عربستان، ترکیه، پاکستان و سوریه تا طالبان، حشدالشعبی، حزب الله و هر گروه و فرقه ادم کشی رابطه داشته و دارند و بر سر منافع خود و سهم هر کدام از طرفین، هزاران توافق و تعهد مشترک را امضا کرده اند.

اگر این دولتها و صدها گروه جانی و گانگسترهای آدم کش با مراکز پلیسی و جاسوسی شان علیه طبقه کارگر و اقشار محروم و مبارزات آنها در کنار

جمهوری اسلامی هستند، اگر جمهوری اسلامی در سال ۵۷ بر روی شانه های همین دولتها و میدیای آنان به مردم ایران تحمیل شد، هیچ دلیلی ندارد کارگر شرکت واحد، نفت و پتروشیمی، معلم و بازنشسته و زن و جوان آزادیخواه با هم طبقه ای ها و حامیان خود در سراسر جهان در تماس و گفتگو نباشند. این سناریوهای مضحک و شنیع و تلاش برای امنیتی و جنایی کردن ارتباط طبقه کارگر و مردم آزادیخواه با جهانیان، با احزاب و سازمانهای سیاسی، با اتحادیه و نهادهای کارگری و مردمی و همچنین جلب همبستگی و حمایت جهانی، دیگر کمکی به این حاکمیت نمیکند. این ترندهای شنیع راه به جایی نمی برد و صف خروشان محرومان جامعه علیه مشتی جنایتکار حاکم بر سرنوشت شان را جری تر و متحد تر خواهد کرد. عزیزان در بند و همه دستگیر شدگان این مدت از اول مه تا اعتراض معلم و پرستار و تا دستگیری شدگان در اعتراضات علیه گرانی و گرسنگی و تا بقیه زندانیان و گروگان های ما نزد حکومت باید فوری آزاد شوند. این خواست و مطالبه وسیع و میلیونی مردم ایران است. در این میان برای وزارت اطلاعات و صدا و سیما آن جز رسوایی بیشتر و قطور شدن پرونده جنایات شان چیزی باقی نمی ماند.

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۱۸ مه ۲۰۲۲

قدرت طبقه کارگر

در اتحاد و تشکل اوست!

Mansoor Hekmat Week 2022

4 - 11 June



Mansoor Hekmat (Zhoobin Razani) 1951-2002

در بزرگداشت زندگی پر بار

منصور حکمت

هفته منصور حکمت ۱۴ - ۲۱ خرداد

نان با طعم خون...

تا زمانیکه سرمایه داری هست، پدیده گرانی، تورم، بیکاری، فقر، فلاکت و ... هم خواهد بود، در واقع فلسفه وجودی مکانیزم سرمایه داری همین است و سیستم و حاکمیت آن تاریخا از آزادی و حرمت و امنیت تا نان شب مردم، تحصیلات، دارو و ... تا شیر کودکان شان را گرو گرفته است. اقتصاد دانان بورژوازی پشت تئوری تحمیل فقر و گرانی برای بقاء سیستم شان نشسته اند و آنجا که زمام کار با عروج جنبش معیشت از دستشان خارج میشود به سرهم کردن اراجیف و یاهه گویی می افتند، یا در ایران علاوه بر آن با رجز خوانی به قلع و قمع و پرونده سازی علیه فعالین می پردازند و مطالبه نان را با گلوله و خون پاشیدن به جامعه جواب میدهند.

اما این جنبش را نمیشود با وعده سر خرمن و دورنمای «گشایش» پوشالی ده سال دیگر یا با حربه ایجاد فضای پلیسی و ارباب و وحشت به خانه برگرداند. معتزین به وضع موجود به طور مشخص و ویژه در ایران، در فکر این هستند که چگونه میشود این تعرض لجام گسیخته و فقر و فلاکت و بیحقوقی را افسار کرد، چگونه میشود در برابر همه اینها سد قدرتمندی ایجاد کرد؟ هدف جنبش معیشت برای آزادی و رفاه و امنیت این است که چگونه میشود از صاحبان این سیستم ضد انسانی قدرت را گرفت؟

امروز در این جدال دو طبقه به جلوی صحنه جامعه رانده شده اند که تاریخا سر سازگاری با هم نداشته و ندارند. تاریخا منافع متمایزی را نمایندگی میکنند. یکی نماینده کسب سود و بهره برای آسایش مشتی انگل در جامعه است و دیگری نماینده تولید برای رفاه، سعادت و امکانات در خدمت بشریت.

اینجا همان عرصه ای است که سوسیالیسم پرولتاریا در برابر بربریت سرمایه دار در اشکال مختلف صف آرائی میکنند و آلتزانیو شیوه زندگی را در عیان ترین شکل به جامعه نشان میدهند. رهبران سوسیالیست و کمونیست طبقه کارگر که برای جواب به گرسنگی و فقر، آستینها را بالا زده اند، راه حل همین امروز گرسنگان را نشان میدهد. تمامی حربه ها و دسیسه های حاکمیت را از سلب مسئولیت در برابر گرسنگی و نان و زندگی در جامعه افشا می کنند. در برابر حاکمیتی که تلاش دارد پدیده گرسنگی و گرانی نان همین امروز را به فلان و بهمان دولت یا اوضاع جهان ارجاع دهد، سد می بندد و همین امروز جنبش تامین مایحتاج میلیونها انسان را نمایندگی و رهبری میکند. اعلام میکنند که در تمامی این کشورها همه مایحتاج اصلی ادامه حیات انسانها به وفور موجود و انباشته است و باید آنها را از چنگال اختاپوس حاکمیت سرمایه بیرون کشید.

در نهایت این رهبران سکاندار واقعی و به حق کل طبقه کارگر و جامعه اند که پاسخ های متفاوت طبقاتی شان را به عهده دارند و از امروز و در این گره گاهها ی نبرد طبقاتی است که شرایط به کرسی نشاندن نوع زندگی، حکومت، دورنما و سیاست و به قدرت رساندن آلتزانیو خود را به جامعه نشان میدهند. جدال معیشت و به طور مشخص جدال برای نان و آزادی در شرایط امروز ایران، مبارزه باز پس گیری حق حیات از بورژوازی به عنوان مسببین سیه روزی چه در ایران و چه در جهان است، و جدالی طبقاتی است. این جدال تنها یک راه دارد و تنها می تواند به یک راه ختم شود و آن هم برچیده شدن کل بساط حاکمیت سرمایه حال چه در ایران و چه در جهان است. طبقه کارگر و کمونیستها در ایران خود را برای این جدال نهایی آماده میکنند.

hekmatist.com

یک دنیای بهتر



برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!

تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: آسو فتوحی

aso.fotuhi@gmail.com

دفتر کردستان حزب: سهند حسینی

sahand.sabet@gmail.com

مسئول تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتگه

سردبیر: فواد عبداللهی

صدای آزادی، صدای برابری



نیانا

پخش برنامه‌های نیانا از کانال یک

برنامه‌های نیانا هر سه شنبه راس ساعت ۵:۳۰ بعد از ظهر به وقت تهران در شبکه تلویزیونی کانال یک پخش میشود.

مشخصات ماهواره:

Yahsat w1A

12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A

10721 افقی 22000

پخش برنامه‌های نیانا از رادیو طول موج کوتاه

برنامه‌های نیانا هر جمعه راس ساعت ۹ شب به وقت تهران از طریق رادیو طول موج کوتاه پخش می‌شود.

مشخصات موج کوتاه رادیو:

SW 5885

نیانا را در شبکه‌های اجتماعی زیر دنبال کنید:

سایت نیانا

radioneena.com

ساوند کلود

soundcloud.com/radio-neena

اینستاگرام

instagram.com/radioneena

تلگرام

https://t.me/RadioNeenna

فیسبوک

facebook.com/radioneena